



برخورد جامعه به رابطه جمهوری اسلامی و دولت آمریکا

صفحه ۳

سیاوش دانشور



ستون اول،

آذر ماجدی



در حاشیه اخبار،

جنايات جنبش اسلام سياسي ادامه دارد!

صفحه ۴

شهلا نوری

خشونت پلیس بنگلادش علیه کارگران اعتصابی

یک هفته از اعتصاب و تظاهرات کارگران پوشاک برای افزایش دستمزد در داکا پایتخت بنگلادش میگذرد. صدها کارگر که بخش عمده آن زن هستند خواهان افزایش دستمزد ماهانه از ۳۸ دلار به ۱۰۰ دلار هستند. در شرایط حاضر کارگران پوشاک روزانه کمی بیش از یک دلار دستمزد می گیرند. این میزان پایین ترین حد دستمزد در سطح جهان است. اعتصاب و اعتراض کارگران موجب تعطیل ۴۰۰ کارخانه در حومه داکا شد. پلیس با گلوله های پلاستیکی، گاز اشک آور و باتوم بجان کارگران معترض افتاده و تعدادی از کارگران را مجروح کرده است.

روحانی: مردی فقط برای یک فصل!

صفحه ۵

آذر ماجدی

برندگان صنایع مد!



گزارشهای مختلف از وضعیت کارگران پوشاک حاکی از آنست که این کارگران قادر به تامین حداقل معاش خویش نیستند. بسیاری از کارگران اعتصابی اعلام کرده اند که حقوقشان فقط کفایت اجاره آلودگی را می دهد که حکم خانه آنها را دارد. درآمد بنگلادش از صادرات پوشاک به اروپا و آمریکا ۲۰ میلیارد دلار است. اما ۴ میلیون کارگری که در این

صفحه ۲

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

سازمان آزادی زن شما را فرا می خواند که به صفحه این کمپین در فیس بوک مراجعه کرده و حمایت خود را از آن اعلام کنند.

No More Death- Stop Slaughter of workers in garment industry!



خشونت پلیس بنگلادش علیه کارگران اعتصابی ...

صنعت مشغول بکارند، روزی یک دلار دستمزد می گیرند. این کارگران به یمن سرکوب خشن پلیسی، اختناق و استبداد وحشیانه تحت شرایطی طاقت فرسا مجبور بکارند: ساعات کار طولانی و وضعیت ایمنی بسیار وخیم، زندگی کارگران را با خطر مرگ روزمره روبرو می سازد. کارگران از حق تشکل محرومند. شکنجه و قتل کارگرانی که قصد ایجاد تشکل در میان این بخش از کارگران را دارند یک پدیده عادی است.

طی دو سال گذشته کشته شدن صدها کارگر در اثر آتش سوزی و در مورد آخر ریزش ساختمان که منجر به کشته شدن بیش از هزار و صد کارگر شد، شرایط وخیم کارگران صنعت پوشاک در بنگلادش را به راس اخبار رسانه های بین المللی منتقل کرد. در اثر فشار افکار عمومی جهانی و فعالین مدافع حقوق این کارگران، شرکت های بین المللی اروپایی و آمریکایی قول دادند که اقداماتی را برای بهبود شرایط کار و ایمنی کارخانه های پوشاک در دستور بگذارند و بودجه ای به این منظور در نظر گیرند. از ماه مه، یعنی بیش از ۴ ماه گذشته هنوز هیچ اقدامی مادیت نیافته است. دو نهاد یکی اروپایی و دیگری متشکل از شرکت های آمریکایی بدین منظور تشکیل شده که قولهایی داده اند.

کارگران رعنا پلازا که در ماه مه ریزش کرد، هنوز هیچ خسارتی دریافت نکرده اند. در میان شرکتهای بین المللی که کارگران آسیب دیده و بقتل رسیده مشغول تولید سفارشاتشان بودند فقط شرکت ایرلندی پرایمارک تعهد کرده که به کارگران خسارت بپردازد که هنوز حتی یک ریال بدست کارگران نرسیده است. حدود یکماه پس از این حادثه مرگبار بخشی از کارگران برای دریافت حقوق معوقه شان دست به تظاهرات زدند که با سرکوب خشن پلیس روبرو شد.

در سال ۲۰۱۱ کارخانه پیرهن دوزی "ترای انگل" دچار آتش سوزی شد که منجر بقتل ۱۴۶ کارگر گردید. اعتراض خشمگین مردم در سطح جهان به این جنایت باعث شد که در ایالت نیویورک قوانینی برای بهبود استاندارد ایمنی بتصویب برسد. اما در دادگاهی که برای دریافت خسارت تشکیل شد، دادگاه حکم به پرداخت فقط مبلغ ناچیز ۷۵ دلار به خانواده کارگران جانبخته داد.

این وظیفه نیروهای کارگری، چپ، کمونیست، انساندوست و برابری طلب است تا با سازماندهی یک جنبش بین المللی به دفاع از حق حیات و زندگی با حرمت این میلیونها انسان بپردازد و سرمایه داری جهانی را وادار به افزایش استاندارد ایمنی و دستمزد نماید.

سازمان آزادی زن کمپینی در این رابطه ایجاد کرده است بنام "مرگ بس است! قتل عام کارگران صنعت پوشاک را متوقف کنیم."

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



برخورد جامعه به رابطه جمهوری اسلامی و دولت آمریکا

سیاوش دانشور

نه از سر ذلت و ضعف و نه از سر ناتوانی بلکه از "موضع قدرت و در شرایط برابر" بوده است. و اگر از موضع احترام متقابل و برابری است، دیگر نمیشود اینجا و آنجا مترسک عمو سام را آتش زد و عر و نیز ضد آمریکائی حرف اول و آخر دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی باشد! خوب فرض کنیم همینطور شد. فرض کنیم قدمهائی حتی مبهم در سیر معامله و "عادی" کردن روابط دیپلماتیک انجام شد. به نظر تان تاثیر آن در جامعه ایران چه خواهد بود؟ پاسخ روشن است. کسی به این روند امیدوار نخواهد شد. کسی در سالن انتظار نتایج این مذاکرات بست نخواهد نشست. کسی منتظر شکوفه دادن سیاست "اعتدال در روابط خارجی" نخواهد شد. کسی سرنوشتش را به تبلیغات اسلامیون نخواهد سپرد. مردم تحت فشار و تبعیض در جامعه عینی ترند، واقعی ترند، لحظه بین ترند، و عبارتی مثبت فرصت طلب ترند. کافی است شعار "مرگ بر آمریکا" غلاف شود تا ساز "ما خودمان یک پا آمریکائی هستیم" در خیابان کوک شود! کافی است ضد غربیگری حتی بعنوان تاکتیک و از سر نیازهای جمهوری اسلامی کمرنگ شود تا غربیگری غلیظ مردم در ایران در هر گوشه از سر و کول جمهوری اسلامی بالا برود.

زنان در خیابان بیش از هر زمان علیه قوانین اسلامی و "حجاب و عفاف" قیام میکنند و در مقابل اوباش بسیجی و "نهی از منکر" پاسخ خواهند داد که "اگر حکومت غربی و آمریکائی است چرا من لباس غربی و آمریکائی نپوشم؟! جوانان بیش از پیش به موزیک و هنر و روش زندگی غربی رو می آورند و در مقابل اوباش خیابانی خواهند ایستاد. در قلمرو هنر و سینما و موزیک و طنز و شبکه های اجتماعی نیز این واقعه تاثیر بلافصل دارد. مردم کارگر و زحمتکش و هر کسی که برای کسب حقوق حقه ای مبارزه میکند، میتواند فریاد بزند: "تحریمها دیگر تمام شدند، بهانه ای برای عدم پرداخت دستمزدها و بیکاری و غیره ندارید. بهانه ای برای کمبود کالا و مواد اولیه ندارید. اگر تشکل و آزادی بیان در آمریکا و غرب خوب است، چرا در ایران بد است!؟"

اشتباه نشود! کسی توهم ندارد که جمهوری اسلامی تدریجا شبیه غرب میشود و رنگی از آزادیهای فردی و اجتماعی رایج در غرب در ایران جاری و عادی میشود. خیر، جامعه در پس این واقعه امر خودش را دنبال میکند. ضعف رژیم را انعکاس قدرت خویش تلقی میکند، و برای فتح سنگرهای جدیدی تلاش میکند. این منطق برخورد بخشهای مختلف مردم آزادیخواه در ایران به مسئله "ترمش قهرمانانه" خامنه ای و شرکا است. مردم آزادیخواه در ایران برخلاف سیاست اپوزیسیون دست راستی، که یا خواهان حمله نظامی است و یا سیاست طرفداری از

بسیار روشن است که مسئله روز جامعه مسئله رابطه جمهوری اسلامی با دولت آمریکا نیست. این کارناوال تبلیغاتی رسانه ها در مورد جزئیات سفر روحانی به نیویورک با مشغله واقعی بخشهای مختلف مردم در ایران یکی نیست. مثل همیشه، این تلاشی برای توجیه ضعف جمهوری اسلامی و نگرانی از درک همین نکته ظریف توسط مردمی است که این حکومت را نمیخواهند.

برای درک این نکته باید دقایقی تبلیغات رسانه ها و جریانات دست راستی متفرقه پیرامون مذاکره و رابطه با دولت آمریکا را کنار گذاشت. فراموش کنید که سلطنت طلبان و قوم پرستان و طرفداران تهاجم نظامی زانوی غم بغل گرفتند چرا که پروژه تهاجم نظامی و تبدیل تهران به دمشق و بغداد تا اطلاع ثانوی در دستور نیست. فراموش کنید که نیروهای ملی اسلامی طرفدار رژیم چطور از تماس تلفنی روحانی و اوباما از خود بیخود شدند. توجهی به تاریخ نویسی و تاریخ تراشی این جماعت آخوند و اسلام زده نکنید. فراموش کنید که ناسیونالیستهای طرفدار "حقوق هسته ای ایران" کاسه داغ تر از آش میشوند و در باب "عزت و منافع ایران" نقش معلم و مشاور را برای جمهوری اسلامی و دستگاه دیپلماتیکش ایفا میکنند. این مواضع، با تمام تفاوتها و تقابل های احتمالی، نهایتا مواضع اردوی ارتجاع سرمایه داری متشکل از نیروهای اسلامی و مذهبی و قومی و ناسیونالیستی هستند و ربطی به مشغله و منفعت آنی و آتی اکثریت عظیم مردم کارگر و زحمتکش در ایران ندارند.

بخشهای مختلف جامعه اما از هر واقعه ای درکی زمینی و مادی تر دارند. مردم آزادیخواه در ایران درک میکنند که جان جمهوری اسلامی به "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر اسرائیل" بسته است. این "مرگ بر آمریکا" دکان سیاسی است. دکانی برای بسیج نفرت ملی و مذهبی. دکانی برای بسیج تروریسم اسلامی در منطقه و خود را "رهبر جهان اسلام" معرفی کردن. دکانی برای امتیازگیری و بده بستان سیاسی. موافقت و مخالفت با آمریکا و دول غربی و یا برعکس تهاجم سیاسی در نماز جمعه ها و تهاجم "دانشجویان مسلمان" به سفارتخانه ها و غیره، همه حساب و کتاب سیاسی دارد. مردم این دوره ها را دیدند و این سیاستها را میشناسند. تلاش جامعه اینست که رفتار اجتماعی اش با رژیمها یکی نداعی نشود. آنچه که جمهوری اسلامی روی آن حساسیت دارد توسط جامعه مسخره میشود.

فرض کنید جمهوری اسلامی و دولت آمریکا با همراهی دلالان متفرقه سیاسی و حرفه ای به توافقاتی حتی محدود رسیدند. جمهوری اسلامی تلاش میکند به جامعه بقبولاند که این توافقات

در حاشیه اخبار،

جنایات جنبش اسلام سیاسی ادامه دارد!

شهلا نوری



حمله تروریستی به یک مرکز تجاری در نایروبی

هفته گذشته در یک حمله تروریستی در نایروبی پایتخت کنیا دهها نفر کشته و زخمی و به گروگان گرفته شدند. گروه تروریستی و اسلامی "الشباب" مسئولیت این جنایت علیه مردم عادی را بعهده گرفته و میگوید: "این حمله در تلافی مشارکت کنیا در عملیات نظامی در سومالی می باشد". لازم به ذکر است که طی سالهای ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲ دست کم ۱۷ حمله تروریستی در کنیا صورت گرفته است.



این جنایت و گروگانگیری بر وضعیت اقتصادی مردم محروم کنیا و بخصوص حومه نایروبی بلافاصله تأثیر خواهد گذاشت. زیرا بخش اعظم درآمد این کشور از طریق جلب توریسم تأمین می شود. بیش از ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر از مردم نایروبی در منطقه خرابه نشین کبیرا زندگی می کنند که بزرگترین و فقیرترین نمونه از نوع خود در آفریقا می باشد!



رسمیت یافتن حق تجاوز پدرخوانده به فرزند خوانده تحت نام "لایحه حمایت از کودکان"!

هفته گذشته لایحه ای به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که بحثهای زیادی در بین خود مرتجعین و قانونگذاران نظام اسلامی را بوجود آورد. طبق این ماده (ماده ۲۵) ازدواج سرپرست خانواده با فرزند خوانده مشروط به حکم دادگاه شد. عده ای بر این نظر هستند که مطرح کردن این نظر قبیح آنرا از بین میبرد و عده ای معتقدند که طبق قوانین اسلامی دختر خوانده حکم فرزند را ندارد و بعد از رسیدن به سن بلوغ ناچارا باید به عقد مردهای نامحرم خانواده درآید.

طرح اینگونه قوانین ارتجاعی نشانگر این است که جمهوری اسلامی بعد از ۳۵ سال حکومت هنوز نتوانسته قوانین ارتجاعی و عهد عتیقی اسلامی را تمام و کمال به تصویب مجلس ارتجاع برساند. آنچه در این میان نظرها را بخود جلب کرد تقابل بازار مکاره روحانی چرخانی در آمریکا بعنوان آخوند "اعتدالگرا" با همزمانی تصویب قانونی ضد حقوق کودک است. قانونی که بجز پدوفیلی اسلامی نامی دیگر نمیتوان بر آن گذاشت!

شیوع خرید و فروش مواد مخدر در باشگاهها و آرایشگاههای زنانه!

بنابر اظهارات مسئولین "سازمان پزشکی قانونی" حکومت اسلامی، خرید و فروش مواد مخدر در باشگاههای بدن سازی و آرایشگاههای زنانه نگران کننده است! نکته جالب و مستتر در درج اینگونه اخبار "ابراز نگرانی" مسئولین حکومتی است که خود بوجود آورنده همه این مصائب و مشکلات هستند. این

حکومت خود سازمانده توزیع گسترده مواد مخدر در داخل و خارج ایران است. چه کسی باور میکند که این جنایتکاران "انگزان" مصرف مواد مخدر توسط زنان آنها در باشگاههای بدن سازی باشند؟! واقعیت اینست که مسئولین رژیم تصمیم گرفته اند تا با گسترش تعرض به زنان به بهانه های مختلف، ضعف و ناتوانی خود را "قدرت" نشان دهند. میخواهند حمله ای جدید را به محلهای تجمع زنان سازمان بدهند.

دامنه درد و رنج مردم ایران تحت حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی آنقدر وسیع است که هیچ آفیونی نمی تواند مرهمی بر این درد باشد. این خود رژیم اسلامی است که طی ۳۵ سال گذشته اعتیاد، تن فروشی اجباری تحت نام صیغه، کودکان خیابانی، دختران فراری، بیکاری گسترده و فقر شدید را بر زندگی بیشتر مردم تحمیل کرده است. همه این معضلات و مشکلات را نمی شود با سازمان دادن تعرضی جدید لاپوشانی کرد. این جانیان از مدتها پیش و برای هزارمین بار حمله به لباس و آرایش زنان را سازماندهی کرده اند و حمله به باشگاهها و آرایشگاهها هم بخشی از این پروژه است. فروش مواد مخدر فقط بهانه است. رژیم اسلامی خود آفیون است!

مثله دختران و فتوای علی سیستانی

علی سیستانی با صدور فتوایی اعلام کرد "ختنه دختران و زنان را حرام نمی داند". ختنه یا مثله دختران در بیش از ۳۰ کشور جهان انجام میشود و در ۷۰ تا ۸۰ درصد موارد با وسایل غیر بهداشتی! این نوع جنایت و تعرض آشکار به حقوق کودکان تحت عنوان حفظ باکره گی دختران، کنترل تمایلات جنسی آنها تا قبل از ازدواج، و اطمینان دادن به شوهر آینده از جنبه "پاک" بودن

صفحه ۶

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



روحانی: مردی فقط برای یک فصل!

آنر ماجدی

داشت که پریدن در واگن فستیوال پرو رژیمی بخاطر مذاکرات اخیر در نیویورک یک سیاست اشتباه است که فقط به اهداف رژیم اسلامی خدمت می کند. از آنسوی محکوم کردن این مذاکرات از روی غیرت ضد امپریالیستی نیز بهمان اندازه یک سیاست اشتباه است. مردم هیچ نفعی در کاهش بحران درونی رژیم اسلامی ندارند. تنها سرنگونی این رژیم است که می تواند نوید بخش یک زندگی آزاد، برابر و مرفه باشد. باید کوشید که در هر روزنه ای که در جامعه ایجاد می شود، رخنه کرد و شرایط را برای رژیم سخت نمود.

آزادی ملی - اسلامی ها همراه با افزایش اعدام ها!

پیش و همراه با این تحرکات دیپلماتیک رژیم اسلامی تعدادی از فعالین ملی - اسلامی را از زندان آزاد کرد. این رویداد نیز با جار و جنجال بسیار جنبش ملی - اسلامی و جریانات پرو رژیم مواجه شد. "دکانهای" حقوق بشری لیست این آزاد شدگان را همراه با عکس نسرین ستوده در گوشه و کنار نهادند. آزادی هر زندانی سیاسی با هر خط و سیاستی روشن است که با استقبال روبرو می شود. اما هنوز صدها زندانی سیاسی، کارگران فعال، دانشجویان، انسانهای چپ و گمنام در زندانهای رژیم دارند شکنجه می شوند، بجای هیاهو و شادی برای آزادی این یازده نفر باید تلاش برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی را صد افزون کرد. سیاست موش و گربه بازی با مردم و نیروهای اپوزیسیون یک تاکتیک دائمی رژیم در سالهای اخیر بوده است. نباید بدام هیاهوی رسانه های دولتهای غربی و اپوزیسیون پرو رژیم افتاد و تعبیر آنها از "شاخه زیتون" را

صفحه ۶

و باید یک مدتی تا اطلاع ثانوی دندان روی جگر بگذارند تا زمان خریده شود. اوضاع جامعه بسیار بحرانی است. فقر کشنده، اختناق و سرکوب جان مردم را به لب رسانده است. شرایط انفجاری جامعه را بویژه از واکنش های زنان به تذکرات خواهران زینب می توان تشخیص داد. روانشناسی توده ای و کلکتیو تغییر کرده است و رژیم اسلامی با بیم و هراس این تغییر را دنبال می کند. باید برای مدتی چرخشی نشان داد تا شاید روحیه و ذهنیت جامعه تغییر کند؛ امیدوار شود و نقطه جوش انفجاری کاهش یابد. این تمام ارزش مصرف این بازیهای دیپلماتیک باصطلاح متمدنانه است.

تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا به کمک رژیم اسلامی شتافته است تا آبروی باخته اش در رابطه با خاورمیانه و شمال آفریقا را با ژست تلاش برای صلح کمی ترمیم کند. رژیم اسلامی نیز با این تلاشها می کوشد اوضاع انفجاری جامعه را کمی آرام کند، برای خود وقت بخرد تا یک پورش سازمانیافته دیگر به جامعه را نقشه ریزی کند. اینکه این مذاکرات تغییر اساسی در مناسبات رژیم اسلامی با غرب ایجاد خواهد کرد و این رژیم از این پس مانند یک حکومت عادی و حرف گوش کن به "جامعه بین المللی" خواهد پیوست، یک توهم و رویای پرو رژیمی بیش نیست. رژیم اسلامی بدون بحران نمی تواند به حیات خود ادامه دهد.

تحریم ها!

روشن است که باید با تمام قوا کوشید تا تحریم های اقتصادی که از مردم محروم، کارگر و زحمتکش قربانی می گیرد لغو گردد. تحریم اقتصادی یک سیاست کشتار دستجمعی و سیاستی ضد انسانی و ارتجاعی است. اما باید توجه

رسانه های بین المللی، رسانه های فارسی زبان تابع دولتهای غربی و اپوزیسیون پرو رژیم هیاهوی بسیاری حول سفر روحانی به نیویورک برای شرکت در اجلاس سازمان ملل، مذاکرات ظریف وزیر امور خارجه اسلامی با همتهای غربی و بالاخره مکالمه تلفنی روحانی و اوباما براه انداختند. از تمدن و فضای جدید سخن گفتند: از اعتدال و اصلاحات و از نسیم بهار تغییر. کار این جماعت گرم نگاه داشتن تنور رژیم اسلامیست؛ یک روز با خاتمی، یک روز با جنبش سبز، روز دیگر با جنبش اعتدال بنفش. ضد آمریکایی های سابق که بخاطر "ضد امپریالیست آمریکا" بودن "امام" برای سپاه پاسداران تقاضای سلاح های سنگین می کردند و با سپاه جنایت اسلامی برای سرکوب نیروی چپ و ضد رژیم مسابقه می گذاشتند، حالا برای ترمیم و از سرگیری روابط رژیم اسلامی و آمریکا سر و دست می شکنند. یک "دکتر روحانی" می گویند و صد تا "دکتر روحانی" از دهانشان می ریزد. بنظر می رسد که مکالمه تلفنی "حسن و حسین" بزرگترین پاداشی است که از نعلین بوسی نصیب شان شده است. زیرا بر این گمانند که بهبود مناسبات رژیم اسلامی با آمریکا و غرب بر حیات این رژیم کتیف خواهد افزود.

"نرمش قهرمانانه" سیاست دفع شرع موقتی!

اما آیا واقعا این مکالمه تلفنی، اعتراف به صحت تاریخی هولوکاست (در ضدیت با احمدی نژاد) و تمام ژست های متمدن مابانه این آخوند عمامه کج بسر می تواند بحران عمیق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - ایدئولوژیک رژیم اسلامی را تخفیف دهد؟ باید اعلام کرد که پیش از هر چیز این تمهیدات بیانگر عمق بحرانی است که این رژیم با آن دست بگریبان است. سیاست آخوندی "نرمش قهرمانانه" نه خطاب به مردم بلکه خطاب به جناح های مختلف رژیم است؛ دارد به آنها می گوید اوضاع پس است

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

جنايات جنبش اسلام سياسي ادامه دارد ...

جنبه "پاک" بودن دختر زیر نام حفظ سنت و فرهنگ صورت می‌گیرد. این عمل جنایتکارانه هر دلیل مضحکی از جانب مرتکبینش داشته باشد، چیزی جز جنایت و شکنجه در حق کودک و کنترل جنسی آنها از جانب شیوخ نیست. کنترل سکسوالیه زن یکی از پایه ای ترین و مهمترین ارکان همه مذاهب و ادیان است.

این عمل ضد انسانی در بخشهایی از استانهای خوزستان، لرستان و کردستان رایج بوده و بخشا هنوز وجود دارد. پدیده جدیدی نبوده که لازم الاجرا بودنش فتوای علی سیستانی را بطلد! این فتوا اولاً دارد به جنایتی رسمیت دینی میدهد و ثانیاً در راستای تایید تفکر ارتجاعی ای است که مردم جهان را به "مسلمان"، "یهودی"، "مسیحی" و غیره تقسیم میکند تا سرنوشتشان را بدست مرتجعینی مثل علی سیستانی بسپارد. *

روحانی: مردی فقط برای یک فصل ...

پذیرفت. حکومت بخوبی آگاه است که این آزادی ها توقع جامعه را بالا می برد و هجوم برای آزادی زندانیان سیاسی افزایش می یابد، از همین رو همزمان با آزادی اینها تعداد بسیاری را اعدام می کند. خیلی ساده و روشن دارد می گوید: "از این خبرها نیست، اعتدال بی اعتدال." اما این همسرایان مدافع رژیم اسلامی مشغول جشن و کارناوال "اعتدال" اند.

سیاست اصولی و مردمی تلاش برای استفاده از هر روزنه و رخنه ای برای هجوم سازمانیافته به رژیم اسلامی است. رژیم اسلامی با آمریکا یا مقابل آمریکا باید به زیر کشیده شود تا به اعدام و سرکوب، فقر و تبعیض، جهالت و زن ستیزی پایان داده شود. *

برخورد جامعه به رابطه

جمهوری اسلامی و دولت آمریکا ...

جمهوری اسلامی را دارد، بر پلاتفرم همیشگی نفی جمهوری اسلامی بعنوان یک طوق لعنت بر سر جامعه ایران تاکید خواهند کرد. جامعه در پس این تحولات در سیاست انتظار جا خوش نمیکند. جامعه این واقعه را فرصتی برای تهاجم به جمهوری اسلامی میبندد و به طرق مختلف این تهاجم را عملی میکند. معضل جمهوری اسلامی و تمام جنجال تبلیغاتی برسر اینکه روحانی "با قدرت و با عزت و فاخر" ظاهر شد، تنها تلاش دارد همین ضعف رژیم را بپوشاند تا مجوزی برای تحرک مردم علیه حکومت نشود. کاری که بنظر غیر ممکن می نماید.

مردم در ایران نه از سر طرفداری از دولت و سیاستهای جهانی آمریکا، بلکه از سر مخالفت با جمهوری اسلامی و ضد غربیگریش، به مسئله تماس و گفتگوی جمهوری اسلامی و دولت آمریکا خنثی برخورد میکنند. مردم نه برای جمهوری اسلامی متمایل به آمریکا هورا میکشند و نه مانند خشکه مقدس ها علیه آن تظاهرات میکنند. مردم تلاش میکنند از فرصت ایجاد شده در پس این واقعه حرف قدیمی خودشان را بزنند. حرفی که با منافع جمهوری اسلامی و دولت آمریکا خوانائی ندارد و امر آزادی و رهائی از اختناق و آپارتاید جنسی و فقر و بیکاری را هدف خود قرار داده است.

بقولی "وقتی بالائی ها در پارلمان ویولون میزنند، مردم در خیابان میرقصند!" *

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۳۰، ۱۸ بوقت تهران از شبکه هات برد

تلویزیون مدوسا

روزهای جمعه ها از ساعت ۲ تا ۳ بعدازظهر

به وقت اروپای مرکزی

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

کانال: KMTV

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سرمدبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هینت تحریریه: آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

به سازمان آزادی زن بپیوندید!